

# یه نیاورون یه نارون

عده‌ای خوشحال بودند و تعداد دیگری بر بخت بد خود لعنت می‌فرستاد که چرا آقادرها شانس نداشتند که سوار بر پیش ۲۰۰ از پارکینگ مجتمع تجارتی نارون خارج شوند. صاحب مجتمع در همین زمان به مجری برنامه می‌گوید؛ به حاضرین اعلام کند که زیاد تراحت حاضرند چرا که در شهریور ماه نیز یک دستگاه MVM طی مراسمی به خریداران اجتناس مجتمع نارون اهدا می‌شود. به این ترتیب مراسم در شرایطی به پایان می‌رسد که حتی افرادی که کالای را نتوانستند از اینجا چوایز نصب خود کنند، حداقل از حضور در مراسم شاد و سرزنشه خوشحال شده باشند و شعار مجتمع تجارتی نارون یعنی: «یه نیاورون یه نارون» به واقعیت بدل شده باشد.

## تجارت در نیاوران

مجتمع تجارتی نارون در تقاطع کامرانیه و نیاوران واقع شده. **نام این مرکز تجاری از اسم سابق نیاوران اقتباس شده است.** عده فروشگاه‌های این مجتمع تجارتی را فروشگاه‌های عرضه پوشک تشکیل می‌دهند. محیطی زیبا با امکانات رفاهی مناسب همچون پارکینگ، سروپیس‌های بهداشتی و تهویه مناسب فضایی را به وجود آورده که شهرمندان و خریداران شمال شهر را به سازگاری به سمت خود جذب می‌کند. فروشگاه‌های متنوع در کنار کافی شاپ مجهز چشم‌های تمام رهگذران را به خود مشغول می‌سازند. متراث متوسط فروشگاه‌های نارون بین ۳۰ تا ۴۰ متر است و محیط به گونه‌ای مهندسی شده که خریداران در آن احساس ناراحتی نکنند. در مقابل درب مجتمع، آچه خودنمایی می‌کند اتوبوس MVM است که در شهریور ماه به برنده‌ای خوشبخت اهدا می‌شود.



گردونه بیرون می‌آید. آقای بهزاد علی پور کمی به روی سن می‌رود و با خوشحالی تمام سوی ۲۰۶ نقره‌ای رنگ را تحويل می‌گیرد. او از فرط شور و هیجان با تمام حاضرین بر روی سن دست داد و سوار بر ۲۰۶ شد.

گسی بد نگزد. تذکرات، یکی پس از دیگری به سوی مسئولین تدارکات روانه می‌شده که پذیرایی از مهمانان را متوقف نکنند. اما جمعیت به حدی رسیده بود که دیگر ظرف‌های حاوی شرینی و شربت به آقایان باشد. مجری مراسم توضیح می‌دهد سادگی در محوطه نمی‌توانست گردش کند.

فروشگاه‌ها دارند. فروشنده بوتیکی که باشند تا برند خوشبخت پژو ۲۰۶ نقره‌ای رنگ مشخص شود. خانم‌ها با هر توپی که از گردونه خارج می‌شود، برگه‌های در دست خود را با عجله ورق می‌زنند تا شاید برندۀ خوشبخت یکی از ۲۰۶ کالایی باشد که به عنوان «دست گرمی» قیل از ۲۰۶ به حاضرین اهدا می‌شود. عقربه‌های ساعت هر چقدر که به حوالی ۹ شب نزدیک‌تر می‌شند بر تعداد حاضرین افزوده می‌شود. هر کسی که برگه‌ای در اختیار داشت شناسی برای خود قائل بود تا در فستیوال خودنمایی توپ‌ها برندۀ باشد.

مرحله‌ی دوم قرعه کشی که جایزه آن خود به شور و هیجان می‌آورد تا آنان با اشتیاق بیشتری برای برنده‌گان کف بزنند. در مرحله‌ی اول قرعه کشی، لوازم خانگی که از سوی مدیریت مجتمع نارون تدارک دیده شده بود به ۲۰۶ نفر اهدا شد. مجری مراسم از یکی از برنده‌گان پرسید که آیا از اینکه در نارون خرید کرده رضایت دارد یا نه؟ پسر جوان در حالی که صدایش در مقابل جمیعت انبوه حاضر می‌لرزید، توضیحی داد که همه را متعجب کرد. او چنین اظهارنظر کرد: هیچ کدام از اجتناس نارون ارزان قیمت نیستند ولی آنچه این مجتمع را از سایر مراکز تجارتی متمایز می‌سازد به قیمت مناسب کالاها باز می‌گردد. در نارون تمام اجتناس به قیمت اصلی و واقعی آن به فروش می‌رسد.

خانم جوان دیگری که قرعه به نامش افتاده بود به سختی خود را به سن رساند تا بخار پزی را که برندۀ شده بود تحويل بگیرد. او بیش از سایرین خوشحال بود چرا که تنها در ازاء ۲۰۶ هزار تومان خرید از نارون جایزه‌ای ۵ هزار تومانی را نصیب خود کرده بود. برنده‌گان یکی پس از دیگری می‌آمدند و جایزه خود را تحويل می‌گرفتند. به این ترتیب دور اول قرعه کشی با اهداء ۲۰۶ دستگاه لوازم خانگی به برنده‌گان به پایان رسید. صاحبان و هیئت مدیره مجتمع نارون همگی خود را به جمع شرکت‌کنندگان بودند. سرانجام نام برنده خوشبخت از

عصر روز جمعه حوالی تقاطع کامرانیه جمعیتی در حدود ۳ هزار نفر آمده بودند تا در مراسم قرعه کشی مجتمع تجارتی نارون شرکت کنند. تعداد اتومبیل‌هایی که در حاشیه خیابان به دنبال جای پارک می‌گشتند آنقدر زیاد شده بود که مسیر کامرانیه به سمت نیاوران بند‌آمده بود. ساعت به نزدیکی‌های ۶ بعد از ظهر رسید، محل برگزاری مراسم تا نیمه از جمعیت پر شد و هنگامی که مجری مراسم استارت کار را برای انجام ۳ مرحله‌ی قرعه کشی زد، حیاط پشت مجتمع نارون به طور کامل در احاطه‌ی مراجعین قرار گرفته بود. تمام افرادی که در طول سه ماه گذشته برای خرید به مجتمع نارون رجوع کرده بودند، خود را با هر سختی که بود به مراسم عصر جمعه رسانده بودند. هر کسی چندین و چند برقه قرعه کشی در دست داشت و امیدوار به این که در پایان مراسم ستاره اقبالش طلوع کند و شماره‌ای که در اختیار او بود از گردونه ای که آنبویی از توپ‌های سبز رنگ تنیس در آن به چرخش در می‌آمد، بیرون آید. عقربه‌های ساعت از ۶ و ۳۰ دقیقه گزرنده بود که مجری مراسم، خود را بر روی سن کوچک وسط حیاط رساند تا با خواندن شماره‌ها عده‌ای را خوشحال و عده‌ای دیگر را وارد به افسوس خوردن کند. بیشتر جمعیت حاضر در محل مراسم را خانواده‌هایی تشکیل می‌دادند که به همراه تمام اعضاء، خود را به مجتمع تجارتی نارون رسانده بودند. هر چند که بیشتر جمعیت حاضر را خانم‌ها تشکیل می‌دهند ولی حضور آقایانی که بیشتر آن‌ها از سن میان سالی گزرنده بودند ملهم می‌بود. یکی از فروشنده‌گان مجتمع نارون در این مورد چنین اظهارنظر می‌کند: بیشتر

